

آشنای غریبان

شاعر: قیصر امین پور

قالب شعر: غزل

آثار: به قول پرستو، آینه‌های ناگهان، مثل چشمه مثل رود، درکوچه آفتاب، تنفس صبح

بیت اول:

چشمه‌های خروشان تو را می‌شناسند موج‌های پریشان تو را می‌شناسند

چشمه‌های خروشان: انسانهای پاک و آزاده

نثر روان: چشمه‌های خروشان و موج‌های آشفته، تو را می‌شناسند.

واج آرایی: ← در حرف « ش » چشمه، موج، خروشان: ← مراعات نظیر بیت، تشخیص دارد

بیت دوم:

پرسش تشنگی را تو آبی، جوابی ریگ‌های بیابان تو را می‌شناسند

نثر روان: تو برای انسانهای تشنه معرفت، همانند آب ارزشمند هستی. ریگ‌های بیابان هم ارزش تو را دانند.

معنی دیگر: تو برای انسانهایی که تشنه دانش هستند، مثل آب و جواب هستی.

پرسش، جواب: ← متضاد تشنگی، آبی: ← متضاد ریگ‌های بیابان: ← انسانهای دردمند

بیت سوم:

نام تو رخصت رویش است و طراوت زین سبب برگ و باران تو را می‌شناسند

رخصت: اجازه طراوت: شادابی

نثر روان: نام تو اجازه رویدن و شادابی است. به همین دلیل تمام گیاهان و قطره‌های باران تو را می‌شناسند.

باران: ← نماد پاکی

بیت چهارم:

هم تو گل‌های این باغ را می‌شناسی هم تمام شهیدان تو را می‌شناسند

نثر روان: تو همه انسانهای خوب و شایسته این جهان را می‌شناسی و تمام شهیدان نیز تو را می‌شناسند.

گل‌ها: ← انسانهای خوب و پاک باغ: ← منظور دنیا

بیت پنجم:

اینک ای خوب! فصل غریبی سر آمد چون تمام غریبان تو را می‌شناسند

فصل: زمان سرآمد: به پایان رسید

نثر روان: ای امام خوب ما، اکنون زمان غربی و تنهایی به پایان رسید زیرا تمام انسانهای غریب، تو را می‌شناسند.

☀️ مفهوم بیت: تو دیگر غریب نیستی و همه تو را می‌شناسند. ☀️ ای خوب: ← منظور امام رضا (ع)

بیت ششم:

کاش من هم عبور تو را دیده بودم کوچه‌های خراسان تو را می‌شناسند

نثر روان: کاش من هم عبور تو را از خراسان دیده بودم. تمام مردم خراسان تو را می‌شناسند.

☀️ کوچه‌های خراسان: ← منظور مردم خراسان

میلاد گل

شاعر: امام خمینی (ره)

قالب شعر: غزل

☀️ آثار: دیوان شعر، لقاء الله، سرّ الصلاة

بیت اول:

میلاد گل و بهار جان آمد بر خیز که عید می‌کشان آمد

☀️ میلاد: تولد ☀️ می‌کشان: انسانهای مشتاق

نثر روان: تولد حضرت مهدی که مانند بهار جان بخش است، از راه رسید. از جای خود بلند شو زیرا عید عارفان و عاشقان است.

☀️ گل، بهار: ← مراعات نظیر ☀️ گل و بهار جان: ← منظور امام زمان (عج)

بیت دوم:

خاموش مباش زیر این خرقة بر جان جهان، دوباره جان آمد

☀️ خرقة: لباس درویشان، در این بیت: ← منظور: دنیا

نثر روان: در این دنیا آرام در گوشه‌ای منشین. بر خیز زیرا جهان از نو، زنده شده است.

☀️ جان، جهان: ← جناس

☀️ مفهوم بیت: جهان با آمدن امام زمان، جان تازه‌ای گرفته است.

بیت سوم:

گلزار ز عیش، لاله باران شد سلطان زمین و آسمان آمد
 نثر روان: گلستان پر از گلهای لاله شده است زیرا پادشاه آسمان و زمین از راه رسیده است.
 گلزار، عیش، لاله: ← مراعات نظیر زمین، آسمان: ← متضاد سلطان: ← امام زمان (عج)

بیت چهارم:

آماده امر و نهی و فرمان باش هشدار که منجی جهان آمد
 هشدار: آماده باش
 نثر روان: آماده باش که مطابق فرمان او باشی و هوشیار باش که نجات بخش تمام هستی از راه رسید.
 امر، نهی: ← متضاد

دانش ادبی: ردیف

ردیف: به کلماتی که دقیقا مثل هم باشند و بعد از قافیه بیایند، ردیف می گویند. ردیف کلمه‌ای است که در پایان دو مصراع، تکرار می شود.

ردیف گاهی اسم، فعل، صفت، ضمیر، حرف و..... است. گاهی نیز به شکل عبارت می آید.

مثال:

هیچکس از جای او آگاه نیست	هیچکس را در حضورش راه نیست	{ نیست: ردیف از نوع فعل }
با وضویی دست و رویی تازه کرد	با دل خود گفت و گویی تازه کرد	{ تازه کرد: ردیف از نوع فعل }
به بینندگان آفریننده را	بینی مرنجان دو بیننده را	{ را: ردیف از نوع حرف }
تا توانی می گریز از یار بد	یار بد، بدتر بود از مار بد	{ بد: ردیف از نوع صفت }
شد نفس آن دو سه همسال او	تنگ تر از حادثه حال او	{ او: ردیف از نوع ضمیر }